



سوم ما نجم دبستان

این نوع بازیها علاوه بر آن که کودک مفهوم "تضاد" را می آموزد و ادار به فکر کردن سریع و نشان دادن عکس العمل سریع نیز می شود. از طرف دیگر زبان به صحبت می گشاید و خزانه لغات او گسترش می باید.

گاهی اوقات اتفاق می افتد که کودک نتواند کلمات متضاد را پیدا کند مثلا "در مقابل کلمه "بَرّاق" نتواند کلمه مناسب را که "مات" است پیدا کند.

فکر کردن ، عکس العمل سریع نشان دادن و صحبت کردن از طریق بازی

یکی دیگر از مواردی که می توان به صورت بازی عرضه کرد گفتن کلماتی است که کودک بلافاصله باید کلمات متضاد آنها را جواب دهد . به عنوان مثال وقتی که شما می گوئید "کوناه" کودک باید بلافاصله جواب دهد "بلند" . در

معمولا "بچه باهوش تر از جواب دادن باز نمانده و ممکن است جواب دهد" نه براق " در این موقع بایستی به کودک اظهار کرد اتفاقا " دنبال همان کلمه " نه براق " می گردیم باید فکر کنی و همان را پیدا کنی و اگر در وقت مناسبی نتوانست متضاد کلمهء مربوطه را پیدا کند خودمان به او می گوئیم .

تجربه نشان داده که کودک از این قبیل تمرینات که بصورت بازی به او داده می شود خیلی لذت می برد . و در این قبیل تمرینات کودک پس از شنیدن فورا " جواب سریع می دهد و از این عمل خوشحال شده و فورا " به دنبال مفهوم جدید دیگری می گردد و به عبارت دیگر خود را برای موقعیت جدید دیگری آماده می کند . نمونه مثالهایی که بصورت بازی می توان به کودکان دبستانی ارائه داد بدین شرح است :

تاریک	روشن	بزرگ	کوچک
سریع	آهسته	بالا	پائین
خوش رفتار	بد رفتار	گرم	سرد
نرم	سخت	خوب	بد
شیرین	تلخ	تازه	گهنه
سنگین	سبک	حوان	بیسر
کلفت	نازک	صحیح	غلط
سیاه	سفید	تمیز	کثیف
سالم	مریض	قوی	ضعیف
راست	چپ	کوه	دره
عقب	جلو	روز	شب
زن	مرد	باز	بسته
صیقلی	زبر	تنگ	گشاد
گریه کردن	خندیدن	بلند	کوتاه
خیس	خشک	نزدیک	دور
اهلی	وحشی	زنده	مرده

..... و هرچه این کلمات متنوعتر باشند اثر آموزشی آنها بیشتر بوده و در عین حال به علت تنوع بازی را شیرین تر می کند و کودک علاقه بیشتری نشان می دهد .

از یک جدول دوبار می توان استفاده کرد بدین طریق که در دفعه دوم جای مفاهیم را عوض می کنیم مثلا " اگر در بازی اول ما گفته ایم "سیاه" و کودک " سفید " جواب داده در بازی دوم ما می گوئیم " سفید " و کودک در جواب خواهد گفت " سیاه " .

وقتی از این تمرین نتیجه مطلوب حاصل شد می توانیم در بازی نقش ها را عوض کنیم به این ترتیب که حالا کودک یک کلمه می گوید و ما باید مفهوم متضاد آنرا پیدا کرده و بگوئیم .



برای کلمات مترادف و متشابه هم به همین طریق می توانیم جدول هایی تهیه نموده و بازی ترتیب دهیم .

از آنجا که هرگونه بازی ضوابط و قواعدی دارد و امتیازهایی باید برای برنده یا برندگان در نظر گرفت می توانیم کودک را تشویق نمائیم تا ضوابط و قواعد بازی را وضع و یا مدون نماید با این عمل کودک را اولاً " به تفکر واداشته ایم تا اصول و قواعدی را وضع نماید ثانیاً " در تصویب قواعد بطور غیر مستقیم نظم منطقی را به کودک می آموزیم و اگر اصل و قاعده ای را خلاف موازین اسلام پیشنهاد نموده در همین جا بهترین موقعیت است که او را با اصول و موازین دینی ، اجتماعی و غیره آشنا نمائیم .



سعی شود قدرت تمرکز و دقت او به موضوعات تقویت شود. برای رسیدن به این هدف کودک باید منوجه شود که اگر یک داستان را بدون کم و کاست برای پدر و مادرش تعریف کند آنها خوشحال می شوند. با ابراز این خوشحالی کودک را در حفظ و بخاطر سپردن و توجه به جزئیات یک داستان تشویق نموده ایم. بعد از این مرحله باید کودک را وادار کنیم که از داستان نتیجه گیری کند مثلا " بعد از تعریف داستانی مثل ، چوپان دروغگو " نتیجه بگیرد



### برداشت صحیح از مطالب و به خاطر سپردن

یکی از مسائلی که باید در کودکان بوجود آوریم درک و برداشت صحیح از مطالب است و به عبارت دیگر نتیجه گیری از داستانها و اتفاقات روزانه است. برای رسیدن به این هدف به چند طریق می توان عمل کرد. از جمله اینکه

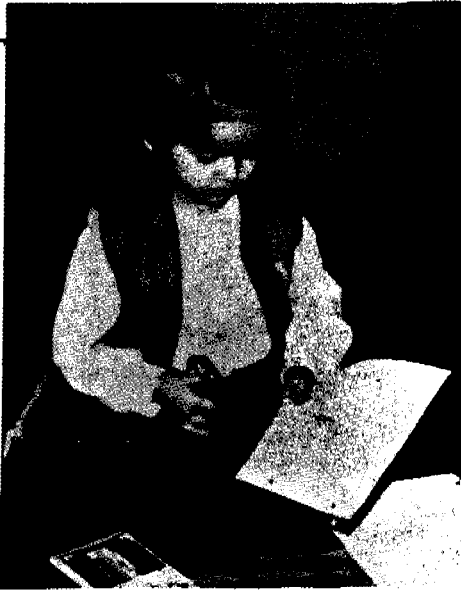


اگر انسان بخواهد که مردم در مواقع خطر به یاری او بشتابند بایستی دروغگو نباشد.

### تجربه اندوختن و ایجاد مسئولیت در کودکان

برای ایجاد حس مسئولیت در کودکان بایستی کارهایی به او محول نمائیم که به صورت مستقل آن کارها را انجام دهد کارهایی که به ایسن

کودکان را باید عادت دهیم آنچه را که شنیده و یادیده اند دوباره تعریف کنند. مثلا " از کودک بخواهیم داستان و یا افسانه ای را که پرستار کودکان و یا معلم برای او تعریف کرده عینا " نقل کند و یا داستانی که در برنامه کودک از تلویزیون پخش شده دوباره بازگو نماید. در ضمن انجام این تمرینات که موجب تقویت حافظه و طرز بیان کودک است بایستی



سفره غذا خوری، انتخاب ظروف مناسب برای غذای خاص، چیدن قاشق و چنگال و سایر وسایل سفره - مرتب کردن اطاق خود - مرتب کردن قفسه لباس - آب دادن به باغچه و مرتب کردن گلدانها و . . . هم او را برای زندگی آینده بهتر آشنا کرده ایم و هم اینکه از طریق این اعمال و کسب تجربیات گامی در توسعه هوش عملی کودک برداشته ایم .

علاوه بر نکات بالا که ذکر شد در واگذاری مسئولیت به کودکان و انجام مسئولیت از طرف آنها به ۲ نکته بسیار مهم زیر باید توجه شود :

۱ - اگر در انجام مسئولیت کودک کوتاهی کرده هیچوجه صبر و حوصله خود را از دست ندهید .

۲ - وقتی که کودک مسئولیتش را به انجام رسانید او را تشویق کنید و شاید بهترین تشویق این باشد که به او بگوئید :

"کمکش برای شما خیلی موثر بوده است"

=====  
یدالله چپانگرد

منظور به کودکان و اگذار می کنیم بایستگی از ساده به مشکل باشد تا کودک ضمن موفقیت در کارهای ساده هم تجربه‌هایی برای کارهای مشکلتر کسب نماید و هم دارای اعتماد به نفس و اتکاء به خویش شود تا برای پذیرفتن مسئولیت‌های بزرگتر و مهمتری آماده گردد. حالابه ذکر نمونه‌هایی از این تمرین ها می پردازیم :

باز کردن نامه ها ، چسباندن و تمیز زدن تا کردن و در پاکت گذاشتن نامه تا زدن کاغذ چیزی را باقیچی چیدن ، پاک کردن کفش تراشیدن مداد ، گره زدن ، باز کردن انواع گره‌ها پاک کردن سبزی ، بریدن نان و . . . . . در واگذاری این مسئولیتها اولیایباید به چند نکته توجه داشته باشند تا به نتیجه مطلوب برسند .

۱ - همیشه درسپردن کارها به کودک باید به توانائی او توجه داشت و کارها را از ساده آغاز و در مراحل بعدی کار مشکلتری به او اگذار کنیم مثلا " اول پاک کردن کامل کفش را به او بیاموزیم و سپس واکس زدن کفش را به او اگذار کنیم .

۲ - در آموزش هر امری مقدار زیادی وقت لازم است بنابراین باید توجه داشته باشیم که از گفتن چنین جملاتی خودداری نمائیم : "اگر من اینکار را خودم کرده بودم تا حالا تمام شده بود" یا "بجای اینکه اینهمه برای تو شرح بدهم تا حالا خودم تمامش کرده بودم"

۳ - در هر آموزش آموزنده مقداری اشتباه می کند تا به روموز کار واقف شود مقداری از اشتباهات کودکان را در آموزش اولیه بایست نادیده بگیریم و مقادیر دیگر آن را با ملامت و مهربانی اصلاح کنیم تا کودک هم به نوبه خود رفع اشکالات و اشتباهات را بیاموزد .

با واگذاری مسئولیت‌هایی از قبیل پهن کردن